

نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل کننده آن

تاریخ دریافت: 1397/9/12

تاریخ پذیرش: 1398/2/9

مجید فولادیان¹، حسن رضایی بحرآباد²

چکیده

جریان سریع شهرنشینی در چند دهه اخیر در ایران حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلان شهرهای ایران به وجود آورده است. بطوری که امروزه حاشیه‌نشینی رابطه‌ای نزدیک و ناگسستنی با آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرم دارد. در واقع باید گفت حاشیه شهرها مکان‌هایی مستعد برای بروز و ظهور انواع جرائم و بزه‌هاست. از این رو پرداختن به وضعیت آسیب‌های اجتماعی و جرائم و همچنین عوامل تسهیل کننده آن مسأله‌ای در خور اهمیت است. بدین منظور در این مقاله پس از تعریف حاشیه و حاشیه‌نشینی و برخی ویژگی‌های آن و نیز مرور برخی از نظریات اجتماعی و بوم‌شناختی مرتبط، نخست نگاهی به وضعیت مناطق حاشیه شهر مشهد و بعضی ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی آن انداخته شده است. سپس با استفاده از داده‌های تجربی، نیمی از وضعیت تعدادی از آسیب‌های اجتماعی و جرائم در مناطق حاشیه‌ای مشهد ارائه شده که نشان‌دهنده تمرکز آسیب‌ها در این مناطق است. در مرحله بعد سعی شده با استفاده از داده‌های موجود نشان داده شود که برخی از متغیرهایی که مطابق نظریات ذکر شده در وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی موثرند، نیز در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد دارای فراوانی و تمرکز بیشتری هستند. نتایج نشان می‌دهد رابطه آسیب‌های اجتماعی و ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای رابطه‌ای دوسویه و متقابل است که وجود هر یک، دیگری را تقویت و تشدید می‌کند. فقر، محرومیت نسبی و پایین بودن کیفیت زندگی در این مناطق باعث افزایش آسیب‌ها و جرائم شده و متقابلاً خود نیز توسط آنها تشدید و تمدید می‌شود. همچنین تراکم آسیب‌ها و جرائم در این مناطق باعث جلب و افزایش مجرمان و بزهکاران شده که خود به بالا رفتن تراکم این مسائل در حاشیه‌ها می‌انجامد.

مفاهیم کلیدی: حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، محرومیت نسبی، فقر، مکان‌های جرم زا

1. استادیار رشته جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، fouladiyan@um.ac.ir
2. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، rezaeebahrabad@gmail.com

بیان مساله

حاشیه‌نشینی را باید از پیامدهای توسعه ناهمسو و بد ریخت در نظام شهرنشینی دانست¹ که بستری گسترده از ساختارهای خرد و کلان ارتباطی، تعارضات اجتماعی و خشونت‌های سازمان یافته را ترسیم می‌نماید (هومردیکسون و گیزفسکی، 1995). پیدایش این مسئله اگر چه به شهرهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود، لیکن سهم عمده جمعیت حاشیه‌نشینی دنیا در حال حاضر، در کشورهای در حال توسعه سکنی دارند، به گونه‌ای که حدود نیم تا 75 درصد جمعیت شهرهای جهان سوم در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند (زنجانی، 1371: 5).

در ایران نیز جریان سریع شهرنشینی در چندین سال گذشته، حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلان شهرهای ایران به وجود آورده است. بطوری که امروزه حاشیه‌نشینی رابطه‌ی نزدیک و ناگسستنی با بزهکاری و ارتکاب جرم دارد (شکویی، 1354)؛ منصوریان و آیت‌اللهی (1357)؛ زاهد زاهدانی (1369) و... آمارهای گوناگونی درباره نرخ حاشیه‌نشینی و جمعیت حاشیه‌نشین در ایران وجود دارد و منابع مختلف میزان آن را از حدود 10-11 میلیون نفر (مصطفایی² به نقل از ایرنا و میرباقری³ به نقل از ایسنا، 1394) تا 18 میلیون نفر⁴ (آخوندی⁵ به نقل از خبرآنلاین، 1394) اعلام می‌کنند. مطابق برخی داده‌ها جمعیت حاشیه‌نشین شهرهای ایران از سال 1361 تا کنون 17 برابر شده است (رصد، 1394: 10). هر چه حاشیه‌نشینی گراگردد شهرهای بزرگ کشور گسترده می‌شود، زنگ خطر فقر و جرایم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن نیز در جامعه بیشتر طنین‌انداز می‌شود. برخی داده‌ها حاکی است که 75 درصد زندانیان ایران از حاشیه شهرها هستند (رصد، 1394: 11). بنابراین پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن امروزه یک مسئله عینی و قابل اعتنا در جامعه ما است. که باعث شده تحقیقات و مطالعات نسبتاً پرشماری در این راستا صورت بگیرد. در همین راستا هدف

1. بنا بر اعلام مرکز اسکان‌بشر ملل متحد، در سال 1996 حدود 25% جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بوده‌اند؛ که این نسبت برای کشورهای جنوب در حال افزایش است، به طوری که بنا بر هشدار کمیسیون جهانی آینده شهرها، در قرن 21 به موزات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش حاشیه‌نشینی صورت خواهد گرفت (صرافی، 1381: 51).

2. مدیرکل دفتر توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور

3. قائم مقام سابق وزیر کشور

4. در این تعریف، برخی ساکنان مناطق مرکزی شهر نیز به لحاظ روانی و اجتماعی و منزلت سکونتی، حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند.

5. وزیر راه و شهرسازی دولت یازدهم

مقاله حاضر این است تا نگاهی داشته باشد به وضعیت حاشیه نشینی و حاشیه نشینان در شهر مشهد با تاکید بر وضع جرایم و آسیب‌های اجتماعی در این مناطق و بر این اساس می‌کوشد به سئوالات زیر پاسخ دهد:

- وضعیت حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینان شهر مشهد چگونه است؟
- وضعیت آسیب‌های اجتماعی در حاشیه شهر و در بین حاشیه‌نشینان مشهد چگونه است؟
- چه عواملی احتمال وقوع آسیب‌ها و جرایم را در حاشیه شهر و بین حاشیه‌نشینان افزایش می‌دهد؟

تعریف و ویژگی‌های حاشیه نشینی

منظور از حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده شهر زندگی می‌کنند اما به دلایل مختلف جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده‌اند (عابدین درکوش، 1372: 121). این افراد از نظر اجتماعی دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه پایین اجتماعی قرار دارند (زاهد زاهدانی، 1355: 9)، و شیوه زندگی جدیدی را به وجود آورده‌اند که نسبت به سه شیوه رایج زندگی (شهری، روستایی، ایلیاتی) متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورند (حسین زاده دلیر، 1370: 64). تحقیقات نشان می‌دهد که اجتماع‌های حاشیه‌نشین، به شدت با فقر و آسیب‌پذیری در زمینه اشتغال، درآمد و مصرف، مسکن و دسترسی به تشکیلات و سازمان‌ها و خدمات اجتماعی دست به گریبان‌اند (حسین، 2011: 3). ساکنان این مناطق عمدتاً گروه‌های کم درآمدی بوده‌اند که اغلب از شهرها و روستاهای کوچک اطراف به این مناطق مهاجرت کرده‌اند (لطفی، 1389: 138).

پارک به بُعد اجتماعی حاشیه نشینی می‌نگرد و چنین اظهار می‌دارد: «انسان حاشیه نشین نوعی شخصیت است که در زمان و مکانی به وجود می‌آید که بر اثر کشمکش نژادها، فرهنگ جامعه‌های نو، مردم نو و فرهنگ‌های نو به عرصه وجود گام می‌نهد. سرنوشت او را محکوم می‌کند که در یک زمان، در دو دنیای جداگانه زندگی کند.» (انصاری، 1369: 20).

مارشال کلینارد نیز در تعریف حاشیه نشینی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بهره جسته است، می‌گوید: «حاشیه نشینی، خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر از جمله انزوای اجتماعی همراه است» (کلینارد، 1966: 3).

به اعتقاد اسکار لوئیس (1966) حاشیه نشینی با فرهنگ فقر همراه است و ساکنان این مناطق به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی

پایین، با ساکنان سایر مناطق شهری متفاوت هستند. فقدان خلوت و حریم خصوصی در خانواده‌های حاشیه نشینی به گونه‌ای که هر محدوده‌ای در دسترس و کنترل همه اعضای خانواده است، شکاف زیاد بین اعضای خانواده، رقابت و کشمکش برای دستیابی به لوازم زندگی به دلیل کمبود آنها، احساس بی ارزشی، تحقیر، درماندگی، سرشکستگی، سرگردانی و عدم هویت، ناتوانی در فرو خوردن خشم خود و سایر احساسات، زمینه را برای رفتار بزهکارانه در جوانان به وجود می آورد. ماجراجویی، پرخاشگری و تن دادن به احساسات و امیال آتی از ویژگی‌های فرهنگ فقر است که بر مناطق حاشیه نشین حاکم است (فرجاد، 1369: 25).

حاشیه نشینی دارای ویژگی‌هایی است که به گونه‌ای در تعاریف و علل آن آمده است. در این بخش به طور اجمالی به بیان این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود:

- حاشیه نشین‌ها از نظر سواد در سطح پایینی هستند و بی‌سواد در بین آنها زیاد است (ربانی و افشار کهن، 1381: 95).
- اکثراً فاقد مهارت هستند.
- درآمد آنها پایین است و به مشاغل سطح پایین اشتغال دارند.
- بیکاری و مشاغل متفرقه در آنها زیاد است.
- مناطق حاشیه نشین دارای جمعیت زیاد است (حسن و نیرومند، 1351: 9).
- انحرافات و بزهکاری در مناطق حاشیه ای فراوان است. به بیان دیگر، حاشیه نشینی منبع اصلی جرم و جنایت است (کلینارد، 1966: 3).
- حاشیه نشین‌ها با امور ناهنجاری از جمله قاچاق مواد مخدر و خشونت‌های جنسی سروکار دارند (ربانی و افشار کهن، 1380: 81).
- حاشیه نشین‌ها در سکونتگاه‌های غیرمترعارف زیست می‌کنند (زاهدانی، 1358: 2، منصوریان، 1356: 2).
- فقر، عدم بهداشت و درآمد پایین از مشخصه‌های حاشیه نشینی است. به طور کلی، آنها از طبقه پایین هستند (کلینارد، 1966: 41).

چارچوب نظری پژوهش

حاشیه‌نشینی (به معنای اجتماعی) در اغلب کشورهای دنیا مترادف است با افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی و نیز وقوع جرایم مختلف. به همین دلیل صاحب‌نظران مختلف در رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، جرم‌شناسی و ... نظریات بسیاری را درباره عوامل موثر بر وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی در حاشیه‌ها و بین حاشیه‌نشینان مطرح کرده‌اند. در ذیل به برخی از

نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی که می‌توانند به تبیین موضوع درباره حاشیه‌شهر مشهد کمک کنند اشاره می‌گردد:

از نظر جامعه‌شناسان بخصوص میشل فوکو، حاشیه‌نشینی بازگو کننده‌ی وضعیت گروه‌ها و افرادی است که از حلقه‌ی فعال و اصلی یک جامعه رانده شده‌اند و به عنوان «دیگری» مورد توجه قرار می‌گیرند. لذا در پیکره‌ی یک اجتماع انسانی شهری، ما شاهد وضعیت «زیست متنی» و «زیست حاشیه‌ای» هستیم. به عبارت دیگر گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیستن در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژه‌گی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی گروه‌ها و طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره‌ی فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند. به طور کلی می‌توان چنین گفت که مسایل اجتماعی خود ناشی از پیدایش وضعیت حاشیه‌نشینی - متن‌نشینی در نظام اجتماعی شهری است (ربانی و افشارکهن، 1381: 83).

براساس نظریه آنومی می‌توان گرایش افراد حاشیه نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین کرد؛ که براساس آن جامعه اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ می‌کند و از طرف دیگر وسائل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد. در نتیجه افراد محروم، پیوسته از راه‌های غیرمشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند. و به این ترتیب ارزش‌های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می‌گیرد. در نتیجه یکی از پیامدهای اساسی حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی شهر مشهد را می‌توان خدشه دار شدن ارزش‌های فرهنگی (به معنای راه‌های مورد قبول جامعه برای دستیابی به اهداف مشروع) توسط افراد بزهکار مناطق حاشیه‌ای شهر دانست. که در اینجا «مقوله فرهنگ، انگیزه‌ها و اهداف افراد را تعیین می‌کند و تعلق طبقاتی، امکانات تحقق و دستیابی به اهداف را تعیین می‌کند» (رفیع پور، 1396: 20).

محرومیت نسبی به عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی (Valve Expectations) و توانایی‌های ارزشی (Valve Capabilities) شان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی‌ای هستند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. گار (1970) معتقد است که هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در یک جامعه بیشتر گسترش یابند، احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود. همچنین او معتقد است که هر چه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان بیشتر می‌شود و اگر احساس کند که خودش آن

امکانات را ندارد احساس محرومیت نسبی‌اش افزایش می‌یابد (گار، 1388: 308).

همچنین نظریه پیوند افتراقی ادوین سادرلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نوایانه برخوردارند (یعنی تماس بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آن‌هاست (صدیق سروستانی، 1385: 43). بنا بر این وی عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، شانس و احتمال قانون شکنی‌اش افزایش می‌یابد (مسعودی‌فر، 1385). بنابراین زندگی و اجتماعی شدن در محیطی که اولاً تراکم جرایم در آنها زیاد است (مانند حاشیه‌ها) و بنابراین تعداد تماس‌های انحرافی فرد افزایش می‌یابد و ثانیاً به دلیل خرده فرهنگ‌های بزهکاری، در آن تقویت‌کننده‌های جرم وجود دارند، سوق دهنده افراد به خصوص نسل جوان به سمت جرم و انحراف می‌شود (رضایی بحرآباد، 1389: 80).

البته رابرت برگسو راندل ایکرز بر اساس نظریه تقویت در روان‌شناسی که می‌گوید ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه رفتاری خاص و مجازات باعث توقف آن خواهد شد، نظریه سادرلند را مورد سؤال قرار داده‌اند. به بیان دیگر این دو مدعی‌اند که صرف پیوند با کج رفتاراران کسی را کج رفتار نمی‌کند بلکه همین افراد کج رفتاری را در صورتی که نسبت به هم‌نوایی - با مقدار فراوانی و احتمال بیشتر - رضات‌بخش‌تر باشد، به هم‌نوایی ترجیح خواهند داد. برگس و ایکرز بر اساس قانون نیروی تقویت افتراقی می‌گویند که اگر تعداد عواملی نیروهای تقویت‌کننده تولید کنند، آن عامل بیشترین احتمال وقوع را دارد که بیشترین تقویت‌کننده را به لحاظ مقدار، فراوانی و احتمال تولید کند (برگس و ایکرز، 1966). بنابراین از نظر این‌ها دخالت متغیر سوم یعنی تقویت افتراقی، در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج رفتاری است (صدیق سروستانی، 1385: 45).

برخی از مهمترین نظریات جامعه‌شناسی انحرافات و جرم‌شناسی نیز، عوامل فضایی و محیطی را در وقوع آسیب‌ها اجتماعی و جرم موثر می‌دانند. یعنی در برخی مناطق (مانند حاشیه‌ها) ویژگی‌های اجتماعی و فضایی‌ای وجود دارد که وقوع رفتارهای کجروانه و انحرافی را تسهیل می‌کند. آنها می‌گویند در شرایطی که جدایی‌گزینی‌های فضایی به سوی جدایی کامل اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی باشد، توزیع فضایی رفتارهای انحرافی نیز متمایز می‌شود و با یک نوع تلاقی کجروی‌های اجتماعی با محیط‌های اجتماعی خاص مواجه می‌شویم. هربرت (1976) معتقد است که توزیع

رفتارهای کجرو همبستگی ثابتی با ویژگی‌های خاصی از محیط اجتماعی - فضایی دارد به گونه‌ای که ناحیه مسکونی می‌تواند شاخص معتبری برای گروه‌های اجتماعی مختلف باشد. توزیع فضایی کجرویی را تنها نمی‌توان تنها از شناخت میزان کجروی گروه‌های اجتماعی و آرایشی فضای این گروه‌ها پیش بینی کرد، بلکه خصلتهای فضایی محیط نیز در درک توزیع جغرافیایی رفتارهای کجرو نقش دارد (افروغ، 1396: 239). از نظر شکویی (1365) در بحث اکولوژی تطبیقی آسیب‌شناسی در شهر، آگاهی از همبستگی بین شرایط فیزیکی محیط شهری و عوامل اجتماعی - اقتصادی را با امراض شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی از وظایف عمده مطالعات مربوط به اکولوژی تطبیقی است. برای نمونه یک محیط نامنظم و درهم ریخته نشان از این دارد که ساکنانی که با این نوع فضا مدارا کرده و کنار می‌آیند به سایر افراد نشان می‌دهند که محیط درهم ریخته هنجار اجتماعی مقبول و پذیرفته شده‌ای است (برنز و راشل، 2012).

در اوایل قرن بیستم کلیفورد شاور و هنری مک کی با تأکید و تمرکز بر خصوصیات محل به جای خصوصیات مجرمان، تغییرات بنیادی در ماهیت تحقیقات جرم‌شناسی پدید آوردند و مطالعه جرم را به زمینه اجتماعی و اجتماعات وارد کردند (سان و دیگران، 2004 و اکرم‌ن و مورای، 2004). رهیافت فرصت نیز در جرم‌شناسی به قلمرو و مکان وقوع جرم توجه می‌کند و بر این اساس استوار است که برخی موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌هاست (برک بک و لافری، 1993: 123). گراسمیک و همکارانش فرصت را موقعیتی می‌دانند که در آن عمل جرم/انحراف ممکن می‌گردد (گراسمیک و دیگران، 1993). تئوری فعالیت روزمره (کوهن و فلسون، 1979) و تئوری انتخاب عقلانی (کلارک و کورنیش، 1985) در زمره رهیافت فرصت قرار دارند. فصل مشترک این تئوری‌ها معرفی فرصت به عنوان عامل جرم و ارایه تصویر جرم به عنوان یک واقعه موقعیتی است (فلسون و کلارک، 1998 و برک بک و لافری، 1993؛ به نقل از احمدآبادی و دیگران، 1387: 259).

در نظریه انتخاب منطقی فرض بر این است که مجرم در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی کاملاً منطقی و عالمانه می‌گیرد و برای این کار به جاذبه‌ها و امکانات مکان برای انجام عمل مجرمانه توجه می‌کند. وجود این عوامل فرصت‌های است که احتمال جرم را افزایش می‌دهد. حاشیه شهرها نیز از جمله مکان‌های هستند که فرصت‌های جرم در آنها گسترده بوده و جرم‌خیز به شمار می‌روند (مانپور، 1388: 31). اسکار نیومن نیز با طرح نظریه «فضای قابل دفاع»، بر تأثیر خصوصیات فیزیکی محله مسکونی بر نرخ جرم آن تأکید نمود و اذعان کرد که خصوصیات معماری، طرح بندی فیزیکی و نقشه ساختمان‌های مسکونی بر الگوی روابط بین افراد محله و نظارت اجتماعی غیررسمی تأثیر می‌گذارد (نیومن، 1996).

روش تحقیق

پژوهش حاضر نوعی پژوهش توصیفی - تحلیلی است که در آن ترکیبی از روش‌های اسنادی و تحلیل ثانویه¹ به کار رفته است. به عبارت دیگر یکی از انواع فرعی پژوهش‌های اسنادی عبارت است از تحلیل مجدد مجموعه‌ای از داده‌ها و نتایج تحقیقات گزارش شده توسط نویسندگان دیگر، حکومت و سازمان‌های مختلف است که به‌طور منظم آمار رسمی درباره انبوهی از پدیده‌های اجتماعی - مانند جمعیت، جرم و جنایت، ازدواج و طلاق، خودکشی، میزان بی‌کاری و ... را منتشر می‌کنند؛ از مراحل اولیه پیدایش جامعه‌شناسی این آمارها، به‌عنوان پایه‌های پژوهش جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پژوهشگران می‌توانند داده‌های برگرفته از این‌گونه آمارها را مورد استفاده قرار داده و یا دوباره تحلیل کنند و آن اطلاعات را برای کمک به حل مسأله پژوهشی معین به کار برند (گیدنز 1378، 726).

در این پژوهش نیز برای دستیابی به داده‌های کمی برای توصیف میزان آسیب‌های اجتماعی در حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر مشهد، از داده‌های از پیش موجود در چند منبع شامل: کتاب‌های «زن آسیب دیده خیابانی»، «همسرآزاری» و طرح‌های پژوهشی «بررسی وضعیت جغرافیایی اعتیاد در شهرستانهای مشهد»، «بررسی پدیده کودک‌آزاری و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن»، «بررسی پدیده دختران فراری و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن»، «بررسی پدیده کودکان کار و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن»، «طرح پژوهشی شناسایی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های شهری به تفکیک محلات شهری 1394» و همچنین «آمارنامه شهر مشهد» استفاده شده است. پس از پاسخ به سوال توصیفی و نشان دادن بالا بودن میزان آسیب‌ها در حاشیه شهر مشهد، با تکیه بر نظریات مطرح شده در سوابق و چارچوب نظری، به تبیین جامعه‌شناختی چگونگی تاثیرگذاری متغیرهای مستقل طرح شده پرداخته خواهد شد و بر اساس این تحلیل، مدلی ارائه می‌شود که در آن تاثیر علی این پدیده‌های اجتماعی در وجوه مختلف آن نشان داده شده است. بدیهی است که این مدل از نوع «پیش‌آزمون» و تنها مبتنی بر تحلیل‌های نظری است و در این نوشتار برای روابط ارائه شده در آن دلایل تجربی بدست داده نمی‌شود.

1. در این مقاله از روش تحلیل ثانویه داده‌های دست دوم استفاده می‌شود؛ داده‌های دست دوم داده‌های خاصی هستند که قبلاً توسط شخص دیگری گردآوری شده‌اند، یا به قصد جمع‌آوری اطلاعات کلی مثل سرشماری‌های دولتی یا سایر آمارهای رسمی یا برای پروژه پژوهشی خاصی. در هر دو مورد، هدف اصلی از جمع‌آوری چنین داده‌هایی با مقاصد و اهداف استفاده‌کنندگان ثانوی تفاوت دارند (بلیکی، 1384: 240).

وضعیت حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینان در شهر مشهد

یکی از شهرهایی که اوضاع حاشیه‌نشینی در آن وخیم به نظر می‌رسد، مشهد است. مشهد بزرگ‌ترین کلانشهر مذهبی جهان است و عنوان پایتخت معنوی ایران و دومین کلانشهر کشور را هم دارد. بررسی‌ها نشان داده است در مشهد به ازای هر سه نفر بیش از یک نفر حاشیه‌نشین وجود دارد. و در واقع از جمعیت نزدیک به سه میلیون نفری این شهر حدود یک میلیون و دویست هزار نفر آن حاشیه‌نشین هستند (رصد، 1394: 10). رئیس انجمن مددکاران ایران، می‌گوید اهمیت بحث حاشیه‌نشینی در مشهد جایی به چشم می‌آید که بدانیم در جمعیت هفت میلیاردی کره زمین از هر هفت نفر، یک نفر در حاشیه شهرها زندگی می‌کند ولی متأسفانه این میزان در مشهد به یک‌سوم می‌رسد (موسوی چلک، 1394). مقایسه حاشیه‌نشینی مشهد با کل ایران نشان می‌دهد متوسط حاشیه‌نشینی در کلانشهرها 16 درصد جمعیت است اما مشهد، 30 درصد جمعیت حاشیه‌نشین دارد (فیاضی به نقل از ایرنا، 1394).

شهر مشهد به لحاظ تقسیمات شهری به سیزده منطقه شهری تقسیم می‌شود. آنچه که به عنوان حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینان تعریف می‌شود، عمدتاً مناطق دو، سه، چهار، پنج و شش را در بر می‌گیرد. نقشه 1 پراکندگی سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر مشهد را در مناطق فوق‌الذکر نشان می‌دهد¹.



نقشه 1. سکونتگاه‌های غیر رسمی در مشهد (آمارنامه شهر مشهد، 1393)

نتایج یک پژوهش (با فاصله اطمینان 95 درصد) در میان یک نمونه معرف 400 نفری نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت حاشیه‌نشین مشهد از داخل شهر مشهد و شهرهای دیگر (حدود 40 درصد) به

1. بر حسب آمار حدود 90 درصد جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد در این مناطق زندگی می‌کنند.

حاشیه این شهر مهاجرت کرده‌اند. این عدد در مورد مهاجران روستایی حدود 17 درصد است. مابقی نیز عمدتاً از ابتدا در حاشیه شهر ساکن بوده‌اند.¹ دلیل مهاجرت بیش از یک سوم از مهاجران حاشیه شهر مشهد بیکاری و جستجوی کار بوده و حدود 25 درصد آنها نیز به سودای امکانات بیشتر و هزینه‌های کمتر به این مناطق آمده‌اند. حدود 20 درصد حاشیه‌نشینان نیز پس از ازدواج به این مناطق روی آورده‌اند. دلایل دیگر مهاجرت در میان آنان تقریباً ناچیز است (مثلاً خشکسالی 3 درصد و جنگ 2 درصد). همچنین حاشیه‌نشینان مشهد مهمترین مسائل‌شان را مشکلات امنیتی، شهرسازی و بهداشتی دانسته‌اند. از نظر 74 درصد این حاشیه‌نشینان، دستگاه‌های مسئول کار خود را درباره حاشیه شهر به درستی انجام نمی‌دهند و اصولاً حدود نیمی از آنان می‌گویند که هیچ فرد، نیرو یا نهادی توانایی حل مشکلات این مناطق را ندارد و تنها در بالاترین اقبال، کمتر از 20 درصد آنان امام جماعت محله را دارای این توانایی دانسته‌اند (طلوع برکاتی، 1394: 22). این مساله به خوبی نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی (و به تبع آن مشارکت) تا حد زیادی در میان مردم حاشیه شهر مشهد دچار خدشه شده است.

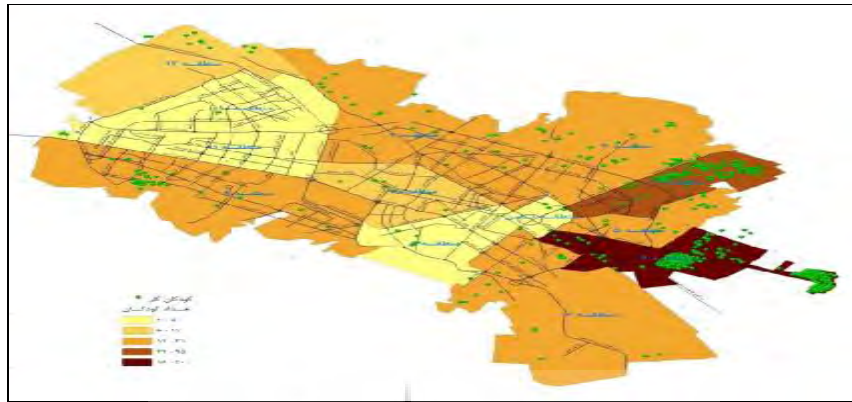
وضعیت آسیب‌های اجتماعی در حاشیه و حاشیه‌نشینان شهر مشهد

در این بخش به پراکندگی برخی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی شهر مشهد پرداخته می‌شود. داده‌های این قسمت بر حسب تحلیل اطلاعات مربوط به آسیب دیدگان مراجعه کننده به مراکز مداخله و اورژانس اجتماعی بهزیستی شهر مشهد به دست آمده است.

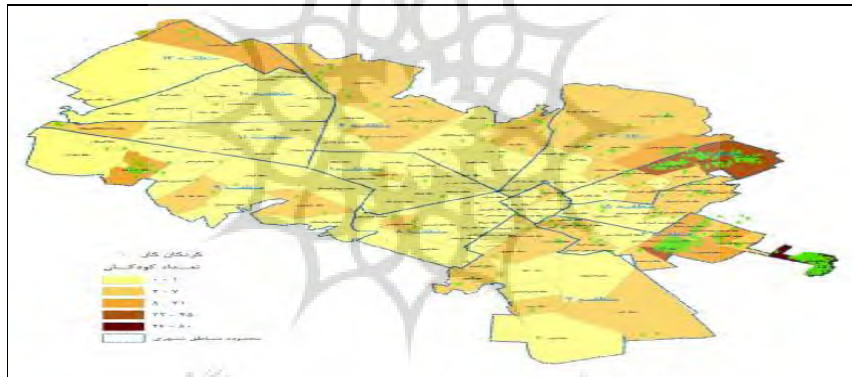
نیم‌رخ از محل سکونت کودکان کار در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت کودکان کار (که دارای پرونده در سازمان بهزیستی می‌باشند) در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 مشخص می‌شود که منطقه 6 شهر مشهد از حیث وجود سکونت کودکان کار در رتبه اول قرار دارد. پس از این منطقه، منطقه 4 در رتبه دوم از حیث تعداد کودکان کار قرار دارد.

1. این مساله از آن روست که بر خلاف تصور مساله سکونت‌گاه‌های غیررسمی کاملاً به موضوع مهاجرت مربوط نیست و شاید در دهه‌های 60 و 70 عمده شکل‌گیری حاشیه نشینی، مساله مهاجرت روستایی بوده اما در حال حاضر بخش عمده‌ای از آن ناشی از نرخ رشد طبیعی جمعیت موجود در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است که در واقع نسل چهارم آن‌ها متولد و وارد عرصه حاشیه شهر می‌شود (روستا، 1394: 409).



نقشه 2. تعداد موارد کودکان کار در سطح شهر مشهد به تفکیک مناطق (فولادیان و طوسی، 1393)



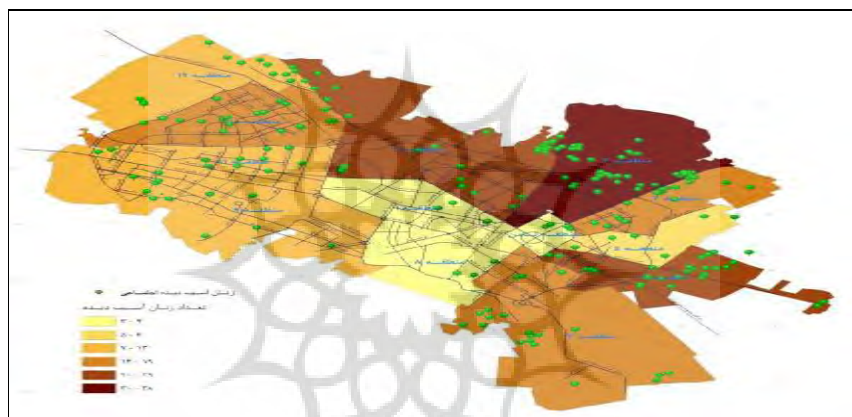
نقشه 3. تعداد موارد کودکان کار در سطح شهر مشهد به تفکیک محلات (فولادیان و طوسی، 1393)

براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت کودکان کار (که دارای پرونده در سازمان بهزیستی می‌باشند) در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 مشخص می‌شود که محلات باهنر، التیمور، شیخ حسن، رده میثم و مهریز از حیث وجود سکونت کودکان کار بیشترین فراوانی را دارد. با بررسی موضوع در نقشه 3 (محلات) و مقایسه آن با نقشه مناطق مشاهده می‌گردد که بالا بودن نرخ کودکان کار در منطقه 9 (که جزء مناطق حاشیه‌ای شهر محسوب نمی‌شود) به دلیل وجود یکی دو محله فقیرنشین در حاشیه این منطقه است که جزء سکونت گاه‌های غیر رسمی محسوب شده و ارتباط ارگانیکی با سایر محلات این منطقه ندارد. آنچه از نقشه فوق برمی‌آید کلونی بودن این آسیب اجتماعی در

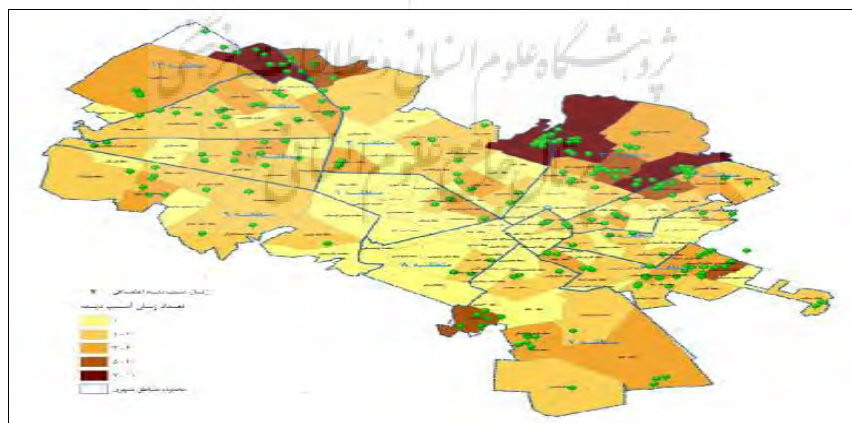
محلات فوق است و این نشان از خرده فرهنگ غالب در این محلات است به نحوی که در این خرده فرهنگ کار کودکان امری عادی و بدیهی است و این باعث یادگیری اجتماعی می شود.

نیمرخی از وضعیت روسپیگری در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت روسپیان (که دارای پرونده در سازمان بهزیستی می‌باشند) در شهر مشهد در سال 92 و نیم سال اول 93 مشخص می‌شود که منطقه 3 شهر مشهد از حیث وجود سکونت روسپیان در رده اول قرار دارد. پس از این منطقه، منطقه 2 و منطقه 6 در رتبه‌های بعدی از حیث تعداد روسپیان قرار دارد.



نقشه 4. تعداد زنان روسپی در شهر مشهد به تفکیک مناطق (فولادیان و دیگران، 1394)



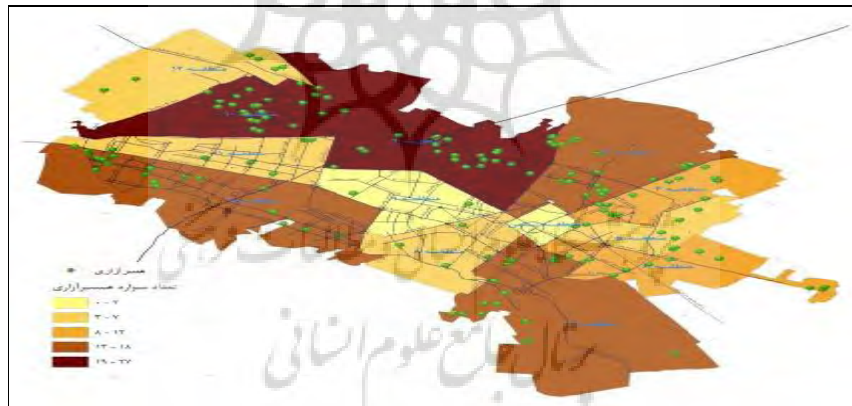
نقشه 5. تعداد زنان روسپی در شهر مشهد به تفکیک محلات (فولادیان و دیگران، 1394)

نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت روسپیان (که دارای پرونده در سازمان بهزیستی می‌باشند) در شهر مشهد در سال 92 و نیم سال اول 93 مشخص می‌شود که محله مشهد قلی از حیث وجود سکونت روسپیان در رده اول قرار دارد. پس از این محله، محلات بهمن، خواجه ربیع و التیمور غربی در رده‌های بعدی از حیث تعداد روسپیان قرار دارد. با توجه به پراکندگی محل اقامت روسپیان در شهر مشهد آنچه مشخص است تجمیع محل سکونت بسیاری از آنها در محدوده کوچکی از یک محله در مناطق حاشیه‌ای شهر است. این نشان می‌دهد احتمالاً مسائل اقتصادی مهمترین عامل انگیزشی روسپیان است.

نیم‌رخ از وضعیت همسرآزاری در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت زنان آزار دیده در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 مشخص شده است که منطقه 2 شهر مشهد از حیث وجود سکونت زنان آزار دیده توسط همسرانشان در رده اول قرار دارد. همچنین منطقه سه نیز جزو مناطقی است که بیشترین مناطق وقوع همسرآزاری را به خود اختصاص داده است. پراکندگی همسرآزاری نیز بیشتر در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد است و مرکز شهر بسیار کم گزارش شده است.

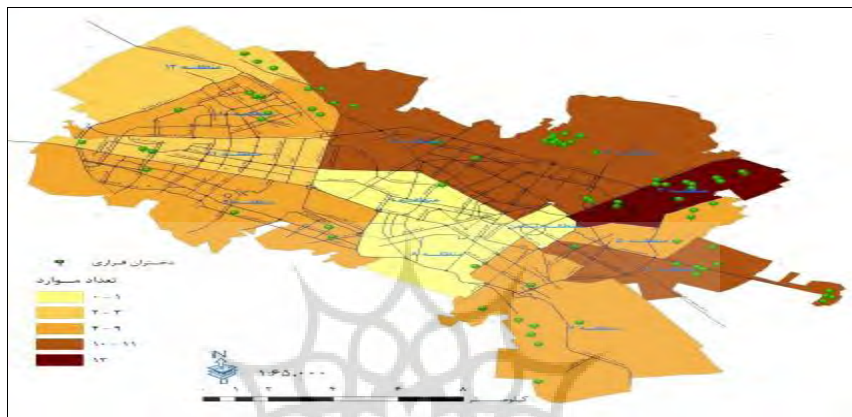


نقشه 6. تعداد موارد همسرآزاری در سطح شهر مشهد به تفکیک مناطق (فولادبانو دیگران، 1394)

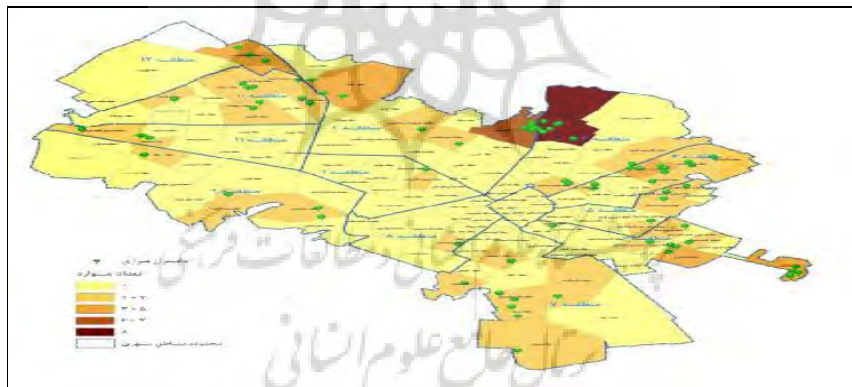
نیم‌رخ از وضعیت دختران فراری در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت دختران فراری در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 که در نقشه 7 مشخص است منطقه 4 و منطقه 3 شهر مشهد از

حیث وجود محل سکونت دختران فراری (خانه ای که از آن فرار کرده‌اند) در رده اول قرار دارند. پس از این مناطق، مناطق 6 و 2 در رتبه‌های بعدی از حیث تعداد فرار دختران قرار دارند.



نقشه 7. تعداد دختران فراری در سطح شهر مشهد به تفکیک مناطق (فولادپانود یگران، 1393)



نقشه 8. تعداد دختران فراری در سطح شهر مشهد به تفکیک محلات (فولادپانود یگران، 1393)

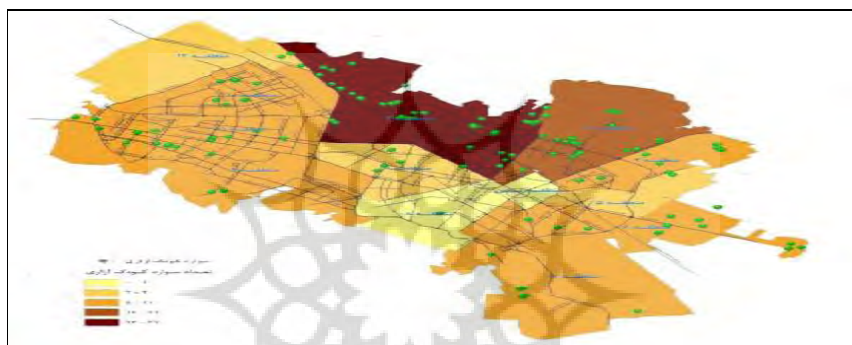
براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت دختران فراری در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 مشخص می‌شود که محلات خواجه ربیع و بهمن از حیث تعداد دختران فراری در رده‌های اول قرار دارند و پس از آنها محله‌های مشهدقلی، حجت، میثم و باهنر هستند. به عنوان نمونه همانگونه که در نقشه مشخص است در قسمتی از محله خواجه

نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد

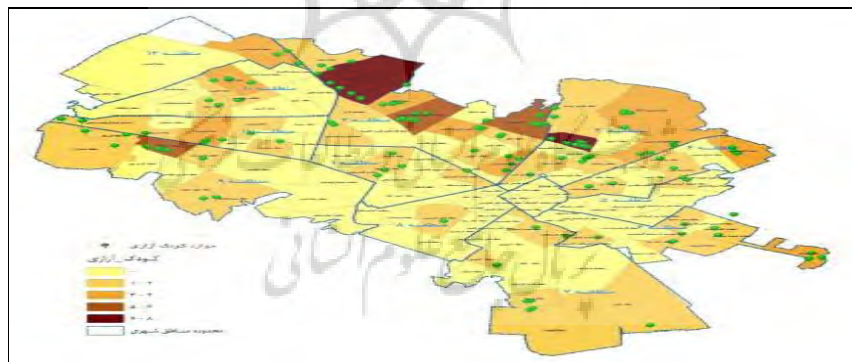
ربیع که محله ای حاشیه ای محسوب می‌شود تجمع دخترانی فراری چشمگیر است.

نیم‌رخ از وضعیت کودک آزاری در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت کودک آزار دیده در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 و براساس نقشه شماره 9، منطقه 2 شهر مشهد از حیث محل سکونت خانواده‌هایی که اقدام به آزار کودکانشان می‌کنند در رده اول قرار دارد. پس از آن، منطقه 3 رتبه دوم را دارد.



نقشه 9. تعداد موارد کودک آزاری در سطح شهر مشهد به تفکیک مناطق (فولادپانواقربان زیارت، 1393)



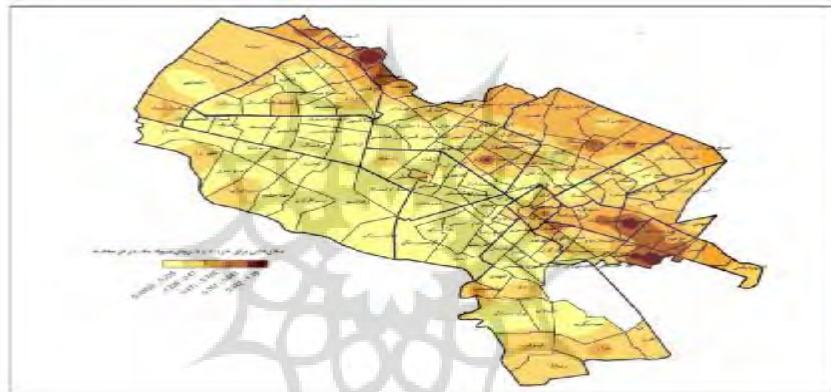
نقشه 10. تعداد موارد کودک آزاری در سطح شهر مشهد به تفکیک محلات (فولادپان و باقربان زیارت، 1393)

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت کودکان آزار دیده توسط والدینشان در شهر مشهد در سال 1392 و نیمه اول سال 1393 مشخص می‌شود که محلات حجت و کوی بلال از

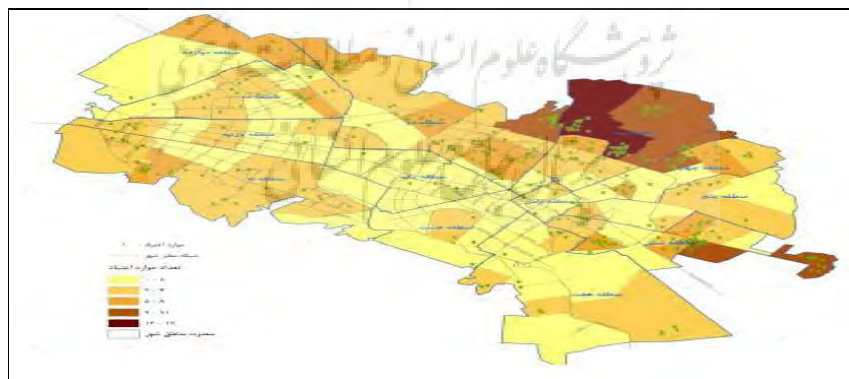
حیث تعداد پدیده کودک آزاری در رده‌های اول قرار دارند و محلات کوی امیر المومنین، بهمن و حافظ در رتبه‌های بعدی هستند. این امر نشان دهنده این است که وضعیت سخت اقتصادی حاشیه نشینان و خرده فرهنگ‌های آنها بر اقدام به خشونت ورزی علیه کودکان موثر است.

توزیع فضایی وجود معتادان و مکان‌های خرید و فروش مواد مخدر در مناطق حاشیه ای شهر مشهد به نسبت سایر مناطق

توزیع فضایی وجود مکان‌های خرید و فروش مواد مخدر به تفکیک محلات در سال 1394 نشان می‌دهد که مناطق 2، 3، 4، 5 و 6 دارای بیشترین مکان‌ها برای خرید و فروش مواد مخدر هستند.



نقشه 11. توزیع فضایی وجود مکان‌های خرید و فروش مواد مخدر به تفکیک محلات (اکبری، 1394)



نقشه 12. تعداد موارد معتادان مراجعه کننده به مراکز بهزیستی در سطح شهر مشهد به تفکیک محلات (فولادیان، 1393)

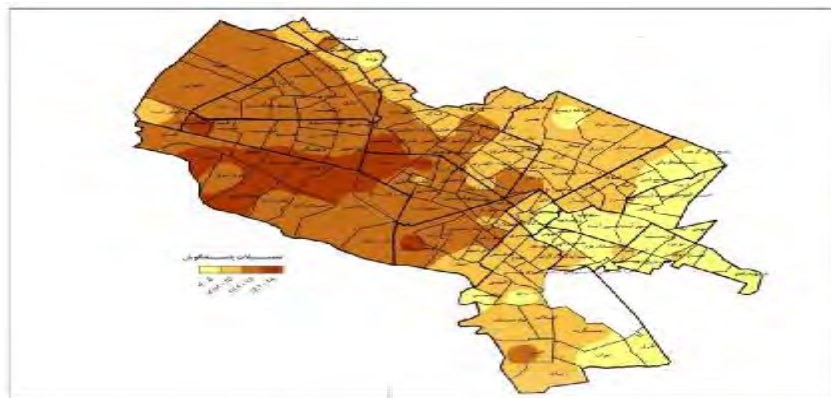
براساس تحلیل داده‌های مربوط به آدرس محل سکونت معنادان مراجعه کننده در شهر مشهد در سال 1393 و نیمه اول سال 1393 و براساس نقشه شماره 12، منطقه 3 شهر مشهد از حیث محل سکونت معنادان در رده اول قرار دارد. پس از آن، منطقه 6 و 4 در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بیشترین پراکندگی در حاشیه‌های شهر مشهد است.

عوامل تسهیل کننده وقوع آسیب‌ها و جرائم در حاشیه شهر مشهد

همانگونه که در تعریف و نیز نظریه‌های مربوطه بیان گردید، مکان‌های حاشیه‌ای و حاشیه‌نشینی دارای ویژگی‌ها و خصایصی هستند که وقوع برخی آسیب‌های اجتماعی و جرائم را در این مناطق و در بین ساکنان آن را تسهیل می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها اجتماعی است یعنی به ساکنان این مناطق (حاشیه‌نشینان) مربوط است و بعضی دیگر به ویژگی‌های کالبدی و بافتی این مناطق مربوط است. بنابراین وقوع آسیب و جرم در این مناطق متأثر از عوامل اجتماعی و کالبدی است. برخی از مهمترین عوامل اجتماعی که در این زمینه موثر هستند را می‌توان پایین بودن سطح سواد و تحصیلات نسبت به سایر مناطق، درآمد پایین و فقر، وجود جمعیت متراکم در مسکن کوچک و بی کیفیت و گاه غیرمتعارف، بالابودن احساس تبعیض و محرومیت نسبی، تراکم جرم و ناهنجاری، وجود خرده فرهنگ‌های بزهکاری و کجروی و... ذکر کرد. همچنین عواملی مانند وجود مناطق تجمع مجرمان و بزهکاران، زمین‌های بدون استفاده، منازل مخروبه، فضاهای دنج و متروکه و تاریک، مناطق دور از دسترسی و نظارت رسمی و... از جمله عوامل کالبدی تسهیل کننده آسیب‌های اجتماعی و جرم در این مناطق هستند. در ادامه به بررسی وضعیت مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد از حیث متغیرهای اجتماعی و کالبدی پرداخته می‌شود.

وضعیت تحصیلات ساکنان مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

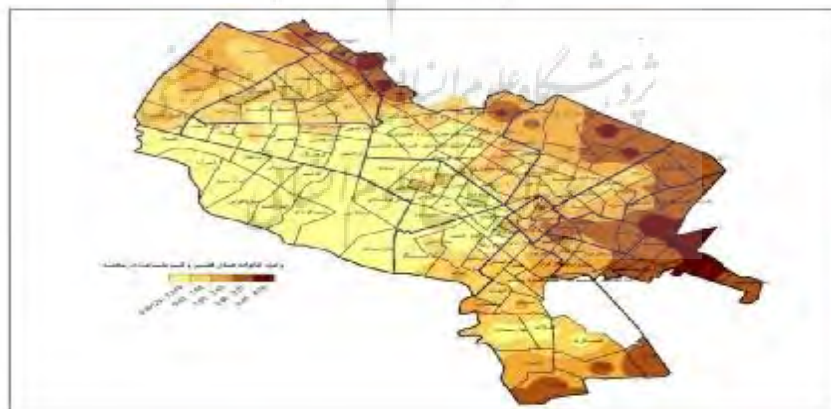
بررسی توزیع فضایی تحصیلات پاسخگویان در نقشه 13 آمده است. محلاتی که دارای کمترین میانگین سال‌های تحصیلی هستند عمدتاً در مناطق حاشیه‌ای (4، 5 و 6) متمرکز هستند در این مناطق میانگین سال‌های تحصیلی بین 6 تا 8 سال است. همچنین در مناطق 2 و 3 و قسمتی از 4 میانگین سال‌های تحصیلی بین 8.1 تا 10 سال است.



نقشه 13. وضعیت تحصیلات ساکنان مناطق حاشیه شهر مشهد (اکبری، 1394)

وضعیت اقتصادی ساکنان مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

مطابق نقشه 14، بیشتر جمعیت فقیر و کم‌بضاعت مشهد در مناطق 2 و 3 و 4 و 5 و 6 و بخشی از منطقه 7 شهر مشهد پراکنده هستند که همگی از مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد محسوب می‌شوند. همچنین جدول زیر وضعیت اقتصادی خانواده‌های ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد را از حیث دو معرف رایج سنجش پایگاه اقتصادی (مالکیت خودروی شخصی و رایانه) نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که وضعیت خانواده‌های مناطق حاشیه‌ای (مناطق 3، 4، 5، 6 و 7) از حیث دارا بودن این دو وسیله به طور معناداری از سایر مناطق شهری و نیز متوسط شهر پایین‌تر است.



نقشه 14. توزیع فضایی وجود خانواده‌های فقیر و کم‌بضاعت در شهر مشهد (اکبری، 1394)

نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد

جدول (1). وضعیت اقتصادی خانواده‌های ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد (مالکیت خودروی شخصی و رایانه) (آمارنامه شهر مشهد، 1393)

منطقه	درصد خانوار فاقد خودرو	درصد خانوار فاقد رایانه	منطقه	درصد خانوار فاقد خودرو	درصد خانوار فاقد رایانه
مشهد	52/3	70/3	7	59/1	56/8
1	31/3	48/3	8	35/2	44/7
2	51/3	36/6	9	61/4	33/4
3	65/8	46/2	10	75/2	41/6
4	70/6	31/8	11	75/7	30/3
5	74/6	53	12	77/9	43/3
6	71/9	71/6	ثامن	81/4	72

وضعیت کمی و کیفی مسکن در مناطق حاشیه شهر مشهد در مقایسه با سایر مناطق

در جدول شماره 2 وضعیت مساکن موجود در شهر مشهد را از حیث سه متغیر متوسط تعداد اتاق در هر واحد مسکونی، متوسط متراژ در هر واحد مسکونی و درصد واحدهای مسکونی فاقد اسکلت فلزی و بتنی مقایسه می‌شود.

جدول (2). وضعیت کمی و کیفی مسکن در مناطق حاشیه شهر مشهد (آمارنامه شهر مشهد، 1393)

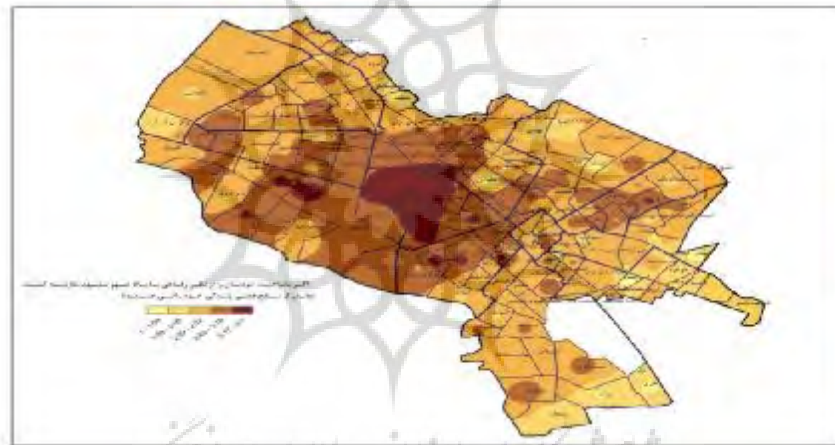
منطقه	متوسط تعداد اتاق در هر واحد مسکونی	متوسط متراژ زیربنا در هر واحد مسکونی	درصد واحدهای فاقد اسکلت فلزی و بتنی	منطقه	متوسط تعداد اتاق در هر واحد مسکونی	متوسط متراژ زیربنا در هر واحد مسکونی	درصد واحدهای فاقد اسکلت فلزی و بتنی
مشهد	2/8	117/9	57/7	7	1/4	100/1	71/3
1	2/3	199/1	25/4	8	1/9	144/9	46/1
2	1/5	112/3	60/4	9	2	148/3	23/3
3	1/3	91/9	81/3	10	1/8	118/7	41/6
4	1/4	79/7	82/3	11	2/2	169/9	39/4
5	1/4	87/3	80/8	12	1/8	98/6	15/6
6	1/4	87/5	83/3	ثامن	1/9	117/7	67/1

همانگونه که مشاهده می‌گردد، مساکن موجود در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد دارای زیر بنای کمتر از حد متوسط (مناطق 3، 4، 5 و 6) و نیز تعداد اتاقهای کمتر از حد متوسط

(مناطق 2، 3، 4، 5، 6 و 7) نسبت به سایر مناطق شهری است. همچنین به لحاظ کیفیت، استحکام و ایمنی (دارا بودن اسکلت فلزی و بتنی) مناطق حاشیه ای شهر (مناطق 3، 4، 5، 6 و 7) به طور محسوسی پایین تر از سایر مناطق و نیز متوسط وضعیت شهر مشهد می باشد.

وضعیت توزیع فضایی رضایت از سطح زندگی خود نسبت به قشر دیگر در حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر

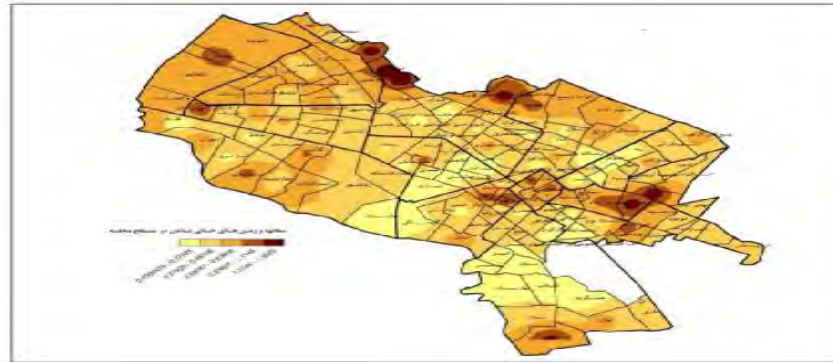
چنانکه در نقشه 15 مشهود است افرادی که در مقایسه با طبقه بالاتر، از سطح زندگی خود ناراضی هستند بیشتر در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد یعنی مناطق 2 و 3 و 5 و 6 و 7 زندگی می‌کنند. احساس ناراضی‌تری از زندگی می‌تواند زمینه ساز آسیب‌های گوناگونی در جامعه باشد.



نقشه 15. توزیع فضایی رضایت از سطح زندگی خود نسبت به قشر بالای شهر (اکبری، 1394)

وضعیت مکان‌ها و فضاهای ناامن شهری در مناطق حاشیه شهر مشهد و مقایسه آن با سایر مناطق شهر
همانگونه که در نقشه 16 دیده می‌شود عمده مکان‌ها و زمین‌های خالی نا امن در سطح شهر مشهد در مناطق 2 و 5 و بخشی از منطقه 7 که جزو مناطق حاشیه‌ای هستند پراکنده است.¹

1. نقاط تیره مرکزی شهر مربوط به بافت فرسوده اطراف حرم رضوی (منطقه ثامن) است که بر اثر طرح طولانی بازسازی و نوسازی این منطقه به وجود آمده است و البته تاثیر قابل توجهی نیز بر وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی در این مناطق دارد. ر. ک: رضایی بخرآباد (1389)



نقشه 20. توزیع فضایی مکان‌ها و زمین‌های خالی ناامن در سطح محله (اکبری، 1394)

وضعیت سرانه فضای سبز مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد در مقایسه با سایر مناطق شهر

طبق یافته‌های حاصل از جدول 3، اغلب مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد (مناطق 3، 4، 5، 6 و 7) به لحاظ دارا بودن سرانه فضاهای سبز عمومی از بیشتر مناطق شهری و نیز متوسط شهر مشهد محروم‌تر است. یعنی به نسبت جمعیت، ساکنان مناطق حاشیه‌ای در منطقه خود فضای سبز عمومی کمتری برای استفاده در اختیار دارند. این نشان می‌دهد که در این مناطق، فضاهای مناسب برای گذران اوقات فراغت به نسبت سایر مناطق کمتر است که خود می‌تواند بر وقوع برخی از آسیب‌ها تاثیرگذار باشد.

جدول 3. سرانه فضای سبز در مناطق مختلف شهر مشهد (آمارنامه شهر مشهد، 1393)

منطقه	سرانه فضای سبز	منطقه	سرانه فضای سبز
مشهد	12/19	7	27/55
1	3/9	8	16/17
2	3/27	9	52/84
3	2/9	10	6/83
4	3/4	11	8/5
5	4/1	12	8/2
6	4/2	ناامن	3/8

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی شهر مشهد، ویژگی‌های آن، وقوع آسیب‌های اجتماعی و جرایم در این مناطق و نیز بررسی عوامل تسهیل‌کننده جرم و آسیب‌های اجتماعی در این مناطق بود. براین اساس، پس از بررسی مفاهیم و نیز مرور برخی از نظریات اجتماعی و بوم‌شناختی مرتبط، نخست وضعیت مناطق حاشیه شهر مشهد مورد بررسی قرار گرفت و بعضی ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی آن بررسی شده است. سپس با استفاده از داده‌های تجربی، نیمی از وضعیت آسیب‌های اجتماعی و جرایم در مناطق حاشیه‌ای مشهد ارائه شده است که نشان‌دهنده تمرکز آسیب‌ها در این مناطق بود. در مرحله بعدی سعی شده است با استفاده از داده‌های موجود نشان داده شود که برخی از متغیرهایی که مطابق نظریات ذکر شده در وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی مؤثرند، نیز در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد دارای فراوانی و تمرکز بیشتری هستند.

همانگونه که ذکر شد مناطق حاشیه‌ای دارای ویژگی‌هایی هستند که وقوع آسیب‌ها را تسهیل می‌کند. اگر این ویژگی‌ها را به دو دسته کلی اجتماعی و کالبدی تقسیم شود می‌توانیم ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت آنان و نقشی که در تسهیل وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کنند داشته باشیم. یکی از این ویژگی‌ها پایین بودن میانگین باسوادان و تحصیل کرده‌ها در مناطق حاشیه‌ای است که خود می‌تواند معلول عواملی همچون فقر، ترک تحصیل به دلیل نیاز به ورود سریع‌تر به بازار کار و نیز کمبود امکانات آموزشی باشد. از طرفی این مساله خود می‌تواند به تجدید چرخه فقر در میان حاشیه‌نشینان منجر شود چرا که تحصیلات یکی از عوامل تحرک اجتماعی و اقتصادی در جامعه ما به شمار می‌رود. از همین روی بخشی از شیوع بی‌سوادی و کم‌سوادی در این مناطق را می‌توان ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده از این مناطق به مناطق بالاتر دانست. از سوی دیگر نرخ فقر نیز در این مناطق بالاست و خانواده‌های بی‌بضاعت شهر مشهد عمدتاً در این مناطق زیست می‌کنند که خود معلول عواملی مانند ارزان بودن نرخ مسکن (اگر چه بی‌کیفیت) در این مناطق و نیز عواملی مانند مهاجرت، بیکاری، بی‌سوادی و ... می‌باشد. وجود این ویژگی‌ها در حاشیه شهر مشهد باعث شده است تا ساکنان این بخش‌ها، احساس نارضایتی بالایی از مقایسه وضع زندگی خود با سایر مناطق شهری داشته باشند. به عبارتی احساس محرومیت نسبی در میان مردم حاشیه شهر مشهد بالاست. مطابق تئوری‌های «آنومی اجتماعی» و «احساس محرومیت نسبی»، این وضعیت باعث می‌شود که افراد ساکن در این مناطق (در صورت وجود سایر عوامل) انگیزه بیشتری برای ارتکاب جرم داشته باشند. افرادی که دارای فقر اقتصادی و اجتماعی هستند و نیز احساس محرومیت نسبی می‌کنند اگر امکانات و وسایل موجود را برای دستیابی به اهداف مطلوب جامعه

(مانند برخورداری اقتصادی) کافی و کارآ نبینند، به استفاده از روش‌های کجروانه و آسیب‌زا گرایش پیدا می‌کنند. از سوی دیگر این عوامل (فقر و محرومیت نسبی) در کنار عوامل دیگری مانند تحصیلات پایین و نداشتن مهارت‌های ارتباطی و زندگی در خانواده‌ها و نیز تراکم جمعیت خانوار در مسکن کوچک و بی‌کیفیت، باعث افزایش آسیب‌هایی مانند اختلافات زناشویی و تنش میان والدین و فرزندان و فرار دختران از خانه و نیز روسپیگری می‌گردد. همچنین وجود فقر در خانواده‌های این مناطق باعث می‌شود که در برخی موارد کودکان در سن تحصیل را روانه بازار کار (و عمدتاً مشاغل کاذب یا تکدی‌گری) کنند.

از سوی دیگر همچنانکه ذکر شد تراکم جرایم و بزهکاری در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد زیاد است و بیشترین مکان‌های تجمع معتادان، بزهکاران و افراد شرور و ... در این مناطق متمرکز هستند. این مساله باعث به وجود آمدن و رشد خرده‌فرهنگ‌های گوناگون کجروانه در این بخش‌ها می‌گردد. از این منظر تاثیر ویژگی‌های اجتماعی بر وقوع جرایم و آسیب‌ها در این مناطق را شاید بتوان تا حدی تأثیری پسینی دانست؛ بدین معنا که بالا بودن میزان جرایم و مجرمان و تراکم آن در این مکان‌ها به ظهور انواع گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کجروانه و بزهکار منجر می‌شود که این خود به ایجاد چرخه جرم و بازتولید و افزایش آسیب‌های اجتماعی خواهد انجامید. مطابق نظریه «پیوند افتراقی» (سادرلند) می‌توان گفت که بالا بودن تراکم جرایم و مجرمان در مناطق حاشیه‌ای، عملاً تعداد تماس‌های انحرافی افراد مستعد (افرادی که در سنین اجتماعی شدن قرار دارند مانند نوجوانان و جوانان) را افزایش می‌دهد و با امکان عضویت در خرده‌گروه‌های کجرو و تعامل با آنان، خطر افزایش افرادی که بالقوه یا بالفعل در معرض ارتکاب جرم هستند بالا می‌رود. این امر بخصوص وقتی جدی‌تر می‌شود که بر طبق نظریه «تقویت افتراقی» (برگس و ایکرز) عضویت در این گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و همکاری با آنان صورت رضایت‌بخشی به خود بگیرد و افراد در موقعیتی قرار بگیرند که کجروی را بر هم‌نوایی ترجیح دهند. عوامل فراوانی در این ترجیح دخیل‌اند که برخی از آنها مانند فقر و احساس محرومیت نسبی، کمبود امکانات عمومی مانند فضاهای سبز و تفریحی برای گذران اوقات فراغت و برخی عوامل دیگر مانند پایین بودن امکان کنترل رسمی و غیررسمی، خاص مناطقی مانند بافت‌های حاشیه‌ای هستند. علاوه بر متغیرهای اجتماعی یاد شده، برخی از عوامل محیطی و کالبدی نیز در افزایش احتمال وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه شهر مشهد موثر هستند. از جمله مهمترین این ویژگی‌ها و عوامل، وجود مکان‌های مستعد جرم مانند مکان‌های متروکه و مخروبه و ناامن می‌باشند. این مکان‌ها که نیومن آنها را «فضاهای بی‌دفاع» می‌نامد مطابق نظریاتی چون «انتخاب منطقی یا عقلانی» و «فعالیت روزمره» (که هر دو در ذیل «رهیافت فرصت» در تئوری‌های جرم‌شناسی قرار می‌گیرند) فضا و بستر مناسب را برای وقوع جرم

در مناطق حاشیه‌ای فراهم می‌سازند. چنانکه در یافته‌های مقاله مشاهده گردید، مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد از جمله مناطقی هستند که بیشترین تراکم را از حیث وجود مکان‌ها و فضاهای یاد شده در سطح شهر به خود اختصاص می‌دهند. این مکان‌ها، افرادی که تصمیم به انجام برخی جرایم دارند یا انگیزه آن را دارا می‌باشند (مانند خرید و فروش و مصرف مواد مخدر یا استفاده از خدمات جنسی نامشروع و...) را به سوی خود جلب کرده و باعث افزایش نرخ این آسیب‌ها و جرایم در این مناطق می‌گردد.

در مجموع می‌توان گفت که رابطه آسیب‌های اجتماعی و ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای رابطه‌ای دوسویه و متقابل است که وجود هر یک، دیگری را تقویت و تشدید می‌کند. فقر، محرومیت نسبی و پایین بودن کیفیت زندگی در این مناطق باعث افزایش آسیب‌ها و جرایم شده و متقابلاً خود نیز توسط آنها تشدید و تمدید می‌شود. همچنین تراکم آسیب‌ها و جرایم در این مناطق باعث جلب و افزایش مجرمان و بزهکاران شده که خود به بالا رفتن تراکم این مسائل در حاشیه‌ها می‌انجامد.

منابع

- احسن، مجید و نیرومند، مصطفی (1351)، حاشیه نشینان بندرعباس، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- احمدآبادی، زهره و صالحی هیکویی، مریم و احمدآبادی، علی (1387)، رابطه مکان و جرم، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره 27.
- افروغ، عماد (1396) فضا و جامعه (فضای شهری و نابرابری اجتماعی)، تهران: نشر علم.
- اکبری، حسین (1394) طرح پژوهشی "شناسایی آسیب‌ها و ناپهنجاری‌های شهری به تفکیک محلات شهری" کارفرما: معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد.
- امانپور، علی (1388)، «بررسی اقتصادی حاشیه‌نشینی»، فصلنامه مهندسی مشاور، صص 38-29.
- انصاری، عبدالمعبود (1369)، ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، پژوهش در حاشیه نشینیدوگانه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: آگه.
- آمارنامه شهر مشهد (1393) معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری مشهد با نظارت مدیریت آمار، تحلیل و ارزیابی عملکرد، به سفارش شورای اسلامی شهر مشهد
- حسین زاده دلیر، کریم (1370)، حاشیه‌نشینی: در جستجوی معنی و مفهوم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره 45-46.
- ربانی، رسول و افشارکهن، جواد (1381) حاشیه نشینی و مشارکت، فرهنگ اصفهان، شماره 34.
- رصد (1394) ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان درباره حاشیه نشینی در شهر مشهد، با همکاری مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، شماره 30.
- رضایی بحراباد، حسن (1389) بافت‌های فرسوده شهری، مکان‌های جرم خیز؛ تأثیر بافت فرسوده پیرامون حرم رضوی بر وقوع جرم، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره 12.
- رفیع پور، فرامرز (1396) توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار
- زاهدزاهدانی، سیدسعید (1369)، حاشیه‌نشینی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- زنجانی، حبیب‌ا... (1371) جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- شکویی، حسین (1367) حاشیه نشینان شهر تبریز، تبریز، موسسه تحقیقات علوم انسانی و

- اجتماعی دانشگاه تبریز.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (1385)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، دانشگاه تهران.
 - طلوع برکاتی، صادق (1394) گزارش افکارسنجی از حاشیه شهر مشهد، ویژه‌نامه تحلیلی رصد، موسسه فرهنگی هنری خراسان، شماره 30.
 - عابدیندرکوش، سعید (1372)، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - فرجاد، محمدحسین (1369)، روانشناسی و جامعه شناسی جنایی، تهران: همراه.
 - فولادیان، مجید (1393) طرح پژوهشی "بررسی وضعیت جغرافیایی اعتیاد در شهر مشهد"، کارفرما: اداره کل بهزیستی خراسان رضوی
 - فولادیان، مجید و باقریان زیارت، عاطفه (1393) طرح پژوهشی "بررسی پدیده کودک آزاری و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن"، کارفرما: اداره کل بهزیستی خراسان رضوی
 - فولادیان، مجید و دیگران (1393) طرح پژوهشی "بررسی پدیده دختران فراری و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن"، کارفرما: اداره کل بهزیستی خراسان رضوی
 - فولادیان، مجید و دیگران (1394) همسرآزاری، مشهد انتشارات سخن گستر
 - فولادیان، مجید و دیگران (1394) زنان آسیب دیده خیابانی، مشهد انتشارات سخن گستر
 - فولادیان، مجید و طوسی فر، جمال (1393) طرح پژوهشی "بررسی پدیده کودکان کار و شرایط اجتماعی مؤثر بر آن"، کارفرما: اداره کل بهزیستی خراسان رضوی
 - گار، تد رابرت (1388)، چرا انسان‌ها شورش می کنند؟، ترجمه علی مرشدی زاد، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
 - لطفی، حیدر و دیگران (1389)، بحران حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در مدیریت کلان‌شهرها و رهیافت‌های جهانی، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
 - لوئیس، اسکار (1966) (1353)، فرهنگ فقر، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی. دوره 1، شماره 4، تیرماه.
 - مسعودی فر، رضا (1385)، تاثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم، سایت تخصصی حقوق (hoqouq.com).
 - منصوریان، محمدکریم و سیدعلی‌رضا، آیت اللهی (1357)، حاشیه نشینان شیراز در استان فارس، شیراز: دانشگاه شیراز.
 - Ackerman, W.V., & Murray, A.T. (2004), "Assessing Spatial Patterns of Crime in Lima, Ohio". *Cities*, 21: 423-437
 - Birkbeck, C. & LaFree, G. (1993), "The situational Analysis of Crime and

- Deviance". Annual Review of Sociology, 19: 113-137
- Burns, Paul A. & Rachel C. Snow (2012), The built environment & the impact of neighborhood characteristics on youth sexual risk behavior in Cape Town, South Africa: Health & Place.
 - Clarke, R.V. & Cornish, D. B. (1985), "Modeling Offenders' Decisions: A Framework for Policy and Research" in Crime and Justice, Vol. 6, Tonry, M. & Morris, N. (eds.), Chicago: University of Chicago Press.
 - Clinard, Marshal B. (1966), Slum and Community Development, New York: The Free Press.
 - Cohen, L. & Felson, M. (1979), "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach" American Sociological Review, 44: 588-608
 - Grasmick, H.G.; Tittle, C. R.; Bursik, R. J. & Arneklev, B. K. (1993), "Testing the Core Empirical Implication of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime", Journal of Review Crime and Delinquency, 30: 5-29
 - Hossain, Shahadat (2011), Urban poverty in Bangladesh : slum communities, migration and social integrations. London : I.B. Tauris.
 - Newman, O. (1996), Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design, NY. Macmillan.
 - Homer Dixon, Thomas and Gizewsky, Peter, 1995 ; urban Growth and violence. in www.lihatory.utoronto.ca/pes/orban
 - Sun, I. Y.; Triplett, R. & Gainey, R. R. (2004), "Neighborhood Characteristics and Crime: A Test of Sampson and Groves, Model of Social Disorganization". Western Criminology Review, 5: 1-16.